

## ابوالقاسم جنتی

فارغ التحصیل تئاتر و دوره دکتری ادبیات

### تاریخچه سیر تکاملی «هنر نمایشی» در ایران

انقلابی که در اوائل قرن معاصر در ایران و کشور های مجاور رخ داد ، مانند انقلاب ایران بسال (۱۹۰۶) ، عثمانی (۱۹۰۸) ، منچوری (۱۹۱۱) و روسیه (۱۲-۱۹۰۷) که خانواده های سلطنتی رمانف (Romanov) ، منچو (Mantchou) ، آل عثمان و قاجار را با سقوط و تغییر مواجه کرد و سازمان قرون وسطائی آنها را بهمزد ، به نمایشهای مذهبی این دول نیز زفورمی داد و یا آنها بنقاط متروک و ولایات دور افتاده تبعید کرد .

طبیعی است که برای ایجاد هر تحول مبارزه انقلابی لازم است ؛ ملت ایران که مدت ها مترصد انقلاب بود و بالاخره باجنبش خود تحول ایجاد کرد ، از آنجا که نمیتوانست بزودی خرافات و آداب و رسومى را که مانع پیشرفت بود طرد کند و زندگی نوینی را پی ریزد که از پرتو آن «تئاتر ملی» داشته باشد و بر اثر نداشتن فرهنگ صحیح « ادبیات درامی » را نیز نمیشناخت ، فقط باین تحول که منجر بتغییر رژیم شد و میتوان نام آنرا « انقلاب کوچک » گذارد اکتفا کرد . با وجود این « تمزیه » و « شبیه » که از دوره صفویه از طرف سلاطین و اشراف حمایت وتقویت میگردد و روز بروز برتوسعه و تجلیل مراسم و تعداد « تکیه » و « حسینیه » افزوده میشد از رونق و اعتبار افتاد . باید متوجه بود که در آغاز قاجاریه کار بجائی رسید بود که دسته شاهى برای نمایشهای مذهبی درست شده بود و بهترین خوانندگان در آن اجیر بودند .

همزمان بافترت تمزیه و رونق تقلید ، افرادی روشن بین مانند : « آخوندزاده » ، « عزیز حاجی بك لو» و «مزمین الدوله (نقاشباشی)» آثاری از قبیل : «خان لنکران» ، «لیلی و مجنون» و یکی از ساخته های مولیر را بمرض نمایش گذاشتند و بدین ترتیب اولین بندر «تئاتر» در زمین ادبیات و هنرهای نمایشی ایران افشاندند شد . از آن پس میرزا ملکم خان ناظم الدوله ، میرزا جعفر قراجه داغی ، عمادالسلطنه حسینقلی قاجار وشاهزاده حاجی محمد طاهر میرزا پیدا شدند و با تهیه و ترجمه « پیس » راه تحریر و تنظیم نمایشنامه را برای دیگران باز کردند .

بدین ترتیب بتدریج مؤسسات نمایشی کوچکی بوجود آمد و اولین شرکت نمایشی بنام «فرهنگ» باهتمام گروهی از روشنفکران تشکیل یافت . این گروه پیس های خود را (که بیشتر جنبه سیاسی داشت) در باغهای بزرگ تهران مانند یارک اتابک ( محل سفارت شوروی امروز ) ، یارک ظل السلطان ( محل فعلی وزارت فرهنگ ) و یارک امین الدوله بمرض نمایش میگذازدند و درآمد آنرا بمصرف مدرسه ای که بهمین نام ( فرهنگ ) تاسیس کرده بودند میرساندند .

دیگر شرکتی باسم « تئاتر ملی » بود که بهمت آقایان : سید عبدالکریم محقق الدوله - انتظام السلطنه - میرزا هاشم بهنام - رضا آهی - سرهنک احمدعلی زند - اعظم السلطان - حاجی میرزا ذکی خان - حاجی میرزا اسدالله شالفروش - سید علیخان نصر - محمود بهرامی - محمدعلیخان ملکی - عنایت الله شبیانی - مشار السلطنه قدس - آسید جلال الدین مرعشی - مفیث الدوله - رضا ملکی - نصرالله بهنام - یوسف مشار اعظم و حسن طبیبزاده بالای چاپخانه فاروس واقع در لاله زار دائر

گردید و چند نمایشنامه از آثار مولیر را بمعرض نمایش گذاشت .  
مهمترین تألیف معروف محقق الدوله بیس تاریخی «جشنید» است . پس از فوت محقق الدوله  
این شرکت نپائید و تئاتر ملی از میان رفت .

در همین هنگام که مصادف با مراجعت سید  
علی نصر از اروپا بود شرکت دیگری بنام  
« کمندی ایران » با اجازه رسمی وزارت معارف  
تأسیس شد. هنرمندانی که در این مؤسسه با آقای  
نصر همکاری داشتند عبارت بودند از آقایان ،  
اخند محمودی کمال الوزاره ( مؤلف نمایشنامه های  
« حاجی ریائی خان یا تارتوف شرق » ، و « استاد  
نوروز » که در سال ۱۹۱۸ بطبع رسیده است ) ،  
منشی باشی ( بهرامی ) ، عنایت الله شیبانی ، محمد  
علی ملکی معروف به « مباح » ، دکتر مهدی  
نامدار ، سید رضا هنری ، رفیع حالتی ، محمود  
ظهرالدینی ، فضل الله بایگان ، طیب زاده ، حسین  
خیرخواه ، نعمت مصیری ، سید جلال الدین مرعشی ،  
میرزا نصرالله خان ، محمود الهی ، داود دیبا ، مهدی  
مشایخی ، احمد درخشان ، علی اصغر گرمسیری ، صادق  
بهرامی ، میرمهدی ورزنده و بعداً غلامعلی فکری و  
نقشینه . از بانوان ، سارا خاتون ، شکوفه و ملوک حسینی .

### آقای نصر

کمندی ایران در حقیقت اولین مؤسسه نمایشی است که با اصول و مقدمات صحیح شروع بکار  
کرد و رفته رفته ذوق فهم تئاتر جدید را در مردم بیدار ساخت . کمندی ایران ماهی دو بار در سالن  
« گراند هتل » ( محل فعلی تئاتر دهقان ) نمایش میداد و در دوره فعالیت خود توانست پای بعضی از  
بانوان ارمنی و ترک و یهودی را بصحنه باز کند و چون در ابتدا چندی مردان نقش بانوان را بازی  
میکردند برای نخستین بار زن را در تئاتر ایران خود زن بعهده گرفت .

در قدیم ( از زمان جمیز اول و ملکه الیزابت ) در اروپا چنین مرسوم بود که دسته هائی از  
هنرپیشگان سیار تئاتر ایتالیا بکشورهای مختلف مسافرت میکردند و در آنجا نمایشاتی میدادند .  
بنابراین رسم جهانی پس از جنگ بین الملل ( ۱۸-۱۹۱۴ ) گروهی از بازیگران قفقازی و روسی  
بایران آمدند و با آنکه زبان آنها ترکی یا روسی بود اما چون بهنرهای نمایشی تسلط کامل داشتند  
و در تکنیک تئاتر قوی بودند کار آنها موثر واقع شد و ضمن آموختن نکات تازه در مترجمین رغبتی  
برای ترجمه آثار ترکی و روسی ایجاد کردند که در نتیجه نمایشنامه های معروف : « آرشین مال آلان » ،  
« مشهدی عباد » ، « اصلی و کرم » و « عاشق غریب » ترجمه و بکجینه ادبیات ایران اضافه شد .  
در این عصر با آنکه برای بالا بردن سطح تئاتر کوشش فراوان میشد چون هنرپیشگی از  
لحاظ افکار عمومی در ردیف « دلفک بازی » و « مقلدی » بحساب میآمد و مردم بهنرپیشگان

ایرانی بنظر تحقیر مینگریستند صحنه نمایش ایران برای عرضه هنر بهنریشگان خارجی و ارمنی سپرده شد - معروفترین این هنریشگان از بانوان پری آقا باباف - سیرانوس مادام قسطنطینان ولرتاه و از آقایان : ارسنجان - مانولیان - آبلیان و سکانیان - آودیان - ارمینان - طریان - کاراکاش - قسطنطینان - ماروتیان یقیکیان - استپانیان بودند که اغلب آنها فارسی را بالهجه غریب و شکسته بسته تکلم میکردند و روی این اصل، تکلم مخصوصی را در بین هنرجویان ایرانی رایج کردند که هنوز هم اثرات آن در لهجه و طرز بیان بعضی از هنریشگان قدیمی تئاتر ایران دیده میشود .

بعد از کمندی ایران در سال ۱۳۰۳ شرکتی بنام « کمندی اخوان » بسریستی مرحوم محمود ظهیرالدینی که یکی از اعضاء کمندی ایران و از معروفترین هنریشگان کمندی بود تأسیس گردید - در این مؤسسه آقایان : حسن سیاسی - محمود الهی - ابوالقاسم لاجینی - رفیع حالتی - نعمت مصیری - مرحوم احمد منزوی و بانو لرتا و چند نفر دیگر همکاری میکردند و چند سالی مؤسسه کمندی اخوان در شرایط محدود آزمون فعالیت هنری کرد و سرانجام با مسلول شدن و فوت ظهیرالدینی از هم پاشید .

تئاتر ایران هرگز محمود ظهیرالدینی را که یکی از هنرمندان برجسته و پرمایه آن عصر بود فراموش نمیکند و همواره نام او را در لوحه خدمتگزاران صدیق هنر نمایشی حفظ میکند :



درام نویسانیکه در این دوره پیدا شدند و آثاری از آنها باقیست بشرح زیر میباشد :

### بانولرتا

مرحوم رضا کمال شهرزاد نویسنده : پرپچهر و پریرزاد - عروس ساسانیان - گلهای حرم - عباسه - عزیز و عزیزه -

رحیم زاده صفوی نویسنده : نادر شاه افشار و شاه عباس کبیر .

دکتر علی اکبر سیاسی نویسنده : ماهیار یا یک قربانی دیگر - عشق و وطن .

مرحوم حسن مقدم نویسنده : جعفر خان از فرنگ آمده .

سعید نفیسی نویسنده : آخرین یادگار نادر شاه - قربانی یک دختر .

ذبیح الله بهروز نویسنده : جبجک علیشاه - حکیم باشی - شاه ایران و بانوی ارمن - در راه مهر .

میرزاده عشقی : ابرت های رستاخیز سلاطین ایران - بچه گدا .

سلیمان حثیم : جوان بدبخت - یوسف و زلیخا .

علیقلی وزیری : ابرت گلرخ - خانم خوابنده - تشک پر قو - شوهر بدگمان - دانی کچل -

ابراهیم خواجه نوری : تجدید عظمت ایران .

افراسیاب آزاد : قضا و قدر - عروس کوچولو - گل و بلبل و حاج عبدالشکم .

مهدیقلی ملک آرا : هفت رنگ - جوان پنجاه ساله .

- رضا پور احتشامی ، عاقبت ازدواج در ایران - بدبختی و نتیجه خیانت زن .  
 ارباب افلاطون شاهرخ ؛ لیلی و مجنون - بتکده هندی - کاهن مصری - شبان تیره - ابو مسلم خراسانی - سلیمان و بلقیس - امیر ارسلان رومی .  
 رحیم نامور ؛ ایراندخت - عروس مغول - طوفان و غروب یا آخرین روز ساسانیان .  
 ابراهیم ناهید ؛ غیاث خشتمال - حلیمه و میرزا فکورخان .  
 احمد خسروانی ؛ دکتر ریاضی دان .  
 مصطفی دهشکار ؛ کوروس کبیر .  
 میرسیف الدین کرمانشاهی ؛ حسن صورت و یا حسن سیرت - سم زندگانی .  
 جلال الدین شادمان ؛ یوسف و زلیخا - لیلی و مجنون .  
 سید عبدالرحیم خلخالی ؛ داستان خونین یا داستان برمکیان .  
 روئین مبشری ؛ شهریار شب - دکتر کارد و چنگال - سر باز وطن .  
 صادق هدایت ؛ پروین دختر ساسانی - مازیار - ( با مجتبی مینوی تهیه کرده اند ) - افسانه آفرینش .  
 جواد تربتی ؛ ایرت یادشاه عشق - فرشتگان عشق .  
 قدرت منصور ؛ قربانی شهوت - آذرمیدخت - عظمت بنی اسرائیل - خسرو و شیرین - ایران مادر وطن - شهید عشق یا قربانی شهوت .  
 علی اصغر گرمسیری ؛ سمنو - بارگناه ابلیس - اشک شیطان - الهه مصر - دلپاختگان - محمدعلی بیگ - همه برای پول - انتقام ارواح - لچ و لچبازی - دختر ناپینا .  
 عبدالحسین نوشین ؛ حبیب و مریم - زن وظیفه شناس - ترس از جریمه - پیر مرد پر حرف و جوان عصبانی - ایده آل یا سرگذشت .  
 نصرالله اعتصامی ؛ یوست خرس - تاج زندگانی - تراول ( زود باش ) .  
 غلام علی فکری ( معز دیوان ) ؛ جنگ زرگری - زن لال - اتومبیل دج - جرح و تعدیل - هر دم بیل - انتقام مادر .  
 مترجمین آن عصر عبارتند از ؛  
 سید علی نصر ؛ خسیس - حسن جنی - آدم باید بفهمد دامادش کیه - اگر یکدفعه بچنگم افتادی - جناب خان - عشق طیب .  
 محمد علی فروغی ؛ عروس بی جهاز - میرزا کمال الدین .  
 حسن ناصر ؛ دو محبوب - مسافرت حاجی قربان - کلاه حصیری - بوقلمون - شوهر حسود - ایرانی « شرف قول » - عاشق گیج .  
 سید مجتبی طباطبائی ؛ الهه - نوکر خائن .  
 حسام الدین علائی ؛ عروسی بعد از مرگ - من میگویم نره تو میگی بدوش - بچه بالا خانم - چشمه اشک یا فواره باغچه سرا .  
 هایک کاراکاش ؛ ۱۸۱۲ - بوسه گرانبها - دندانساز شرقی - دراکه - سه نفر ماسک دار .  
 شهر زاد ( رضا کمال ) ؛ درسایه حرم - شهیده - سالمه .  
 خانباها معتضدی ؛ حکیم اجباری - حقه بازی خرّم - لثیم . ( ناتمام )